

در پس پرده کودتای شاه - آمریکا

کودتای شاه - آمریکا - با حضور مخفیانه یک مقام عالی رتبه آمریکایی در تهران و تجویز مستقیم کاخ سفید آشفتگی انجام شد. به این ترتیب تصادفی نبود که بلافاصله پس از انجام کودتای ورویی کار آمدن دولت زینرال ها، وزارت خارجه آمریکا با گستاخی صبرناگیزی - علی رغم همه اصول و مقررات بین المللی که دفاتل فرقه گشوری زاهد را مورد داخلی دیگر کشورها منع می کنند - بدون هیچ پیرایه ای اعلام کرد که دولت آمریکا از دولت جدید نظمی ایران پشتیبانی و حمایت می کند.

در طرح جزئیات پشت پرده کودتای ای انگشت دو چهره مشخص سیاسی به چشم می خورد. یکی از این چهره ها هوشنگ نهاوندی است که در تمامی مراحل عملی برای و دفاعی اجرای آن - حتی نوشتن خط می کشته شاه پس از کودتای زینرال و دیو و تلویزیون خوانند - حضور مستقیم داشته، و دومین چهره دکتر علی امینی دلال سیاسی معروف آمریکادوکه ملاقات او با شاه و مذاکرات سری این دو جنبه است به طول انجامید. شواهدی که در دست است نشان می دهد که هدف اصلی دولت نظمی فراهم آوردن آن چنان شرایط مساعدی است که دکتر امینی بتواند تا حدی به خود را تثبیت کند. بنابراین دولت نظمی از هاری، ظلمت دولت نیمه آمریکایی امینی خواهد بود که به خیال خود می خواهد با نشی چند ارتش و نهادهای ملی که در این کابینه جای زند، سیاسی واقعی آن را بپوشاند. اما حوادث نشان خواهد داد که پیش بینی خیلی مسا در باره سرنوشت مستقیم حکومت شاه برآورد حرکت های صحنی جامعه و جزو مهمی سیاسی اجتناب ناپذیر صحنه پشت پرده است. ما در گذشته بارها تاکید کرده ایم که حتی آزادی های نیم بند در ظرفیت رژیم شاه که بنیادهای ضد مکرگراتیک آن نظیر ساواک و ارتش و دادگانه های نظامی و دربار و غیره دست نهاده باقی مانده اند، نیست و با طبیعت چنین نظام کرم خورده آلوده و فرسوده خورده از بیرون بازگاری ندارد. کودتای شاه آمریکا نیز شیب او برای ایجاد سلطنت استبدادی است. اگر سرنوشت آزادی که با زوری امپریالیسم آمریکا آن را نمی برد، آورده است کار از این پیش نبرد - که نتیجه شاه جز با لودن تاریخ که منتظر سرنوشتی سریع او و سلطنت فزون وسطای اوست، هیچ میماندگا می ندارد.

تظاهرات خونین شهرها با صدها شهید و مجروح

دولت نظمی با احداثیات و خونریزی های تازه می کودتای شاه را به های لوزان رژیم گنبدیده شاه را محکم کند. هنوز چند روزی از تشکیل دولت زینرال ها نگذشته که جوی های خون در گوشه و خیزبان شهرها متغلیف به راه افتاد. اما سانسور شده ای که سر رادیو و تلویزیون حاکم است و نیز تعطیل روزنامه ها، مانع از آشناسنت ناخوشی های جدید و میبارزه سنگینی ناپذیر مردم در گوشه و کنار کشور، شنیدنی استکباری و وسیعی می آید.

برای این گزارش خبرنگاران نوپا زینران و شهر های مختلف شنیده روز اول بعد از کودتای نظمی "شاه - آمریکا" شیب از مدتها از آزاددها ان کشته و صد ها نفر مجروح شده اند. کورتهران در اولین و دومین روز کودتای ۵ نفر در تظاهرات خونین سازی آباد، سه نفر در تظاهرات غیبا بان شاپور، چهار نفر در تظاهرات شهران و سه نفر در تظاهرات برآکنده در نقاط مختلف شهر، شهید شده. همین گزارش ها تعداد شهدای تظاهرات و مبارزات سلحشوران "مردم قم راه نفر، مردم زنجان راه ۷ نفر، مردم همدان راه ۲۰ نفر درگذشته است. بلافاصله پس از اعلام تشکیل دولت نظمی می همها هزار نفر از مردم آمل به عنوان اعتراض به تجاوز و افشاکر خود ملیز شدند. مردم دالیز همدان بیرونی پلاکات هایی که با خود حمل می کردند، پیام عبرت انگیز و آموخته ای را بخش زده بودند: "ما از حکومت آموختیم که امروز با جوب به تظاهرات میباشیم و فردا با سیل ...

با کودتا در کودتای شاه چگونه مقابله کنیم؟

شاه آخرین تهرکتش را راه کرد. کودتا در کودتای او در همین حال که اعتراف صریحی به شکست همه ادعاهای تفرین آمیز و غمخیزه شب بازی در بسیاری گنایش فضای سیاسی کشور است اعلان جنبش مستقیمی به مردم است به مردمی که بارها به پیمایی ها و تظاهرات میلیونی در سراسر کشور به عزلا و رای دادند و در برابران گلوله و در میان سیلاب های خون، در کاخانه و دانشگاه، در بازارها و مساجد و ادارات، در مدارس و در خانه ها، عزم خود را بر ادا م مبارزه تاسرنوشتی مبتناستند تا محو کامل بساط مدخلتی سلطنت تا گنبدند و بسا اعتمادات سراسری صحنی و سیاسی توانایی انقلابی و آمادگی رزمی خود را برای فتح کردن ما میسر دولتی به ظهور رسانند. شاه با زوری کار آوردن یک دولت نظمی از مروج های انبوه و مملو از سرنوشت کلکسیون شخصی خود، با اشاره و ملاحظه مستقیم امپریالیسم آمریکا، جواب جنش را که در مقیاس ملیت با این دوران اشتناقی آریا موری و سسر سپردگی تفرین آمیز به امپریالیسم آریا هسته سلولهای خود فریاد می کشید، با دهن گنبدیده ای داد. ملت با دهها میلیون دهان گفت: سسر سرچشمه و مظهر تمام صحنه ها، درندگان، سسر حرمتی ها، گنبدیده ها، تاراج ثروت های ملی، فساد سیاسی و افتاددهای فرهنگی، به هدر رفتن طلاهای نالهای تاریخ معاصر این کشور؛ توت دروغ و صحنه خون وظا عوسی؛ توت با نشی تفرین آمیز از استقلال مبین می تواندم نظر چنانچه و نه کمترین آمیدی به بازگشت آزادی و کفایت ملی. ما شرا نشی خواهیم، سسر دشمنان ما، ما شرا نشی خواهیم، بتلنگه کمال کننده شاداب ترین صفای های ما، قاتل بی رحم سرف ترین و آزاددها و تفرین ترین فرزندان ما، شاه این دادنا تمام ملی با دولت زینرال ها و سسر قضای خود با رخ گفت. او گفت: "من خواهم تا چه شمشیر خواهد، چه نخواهد.

در این پاسخ مستبدانه، آموزشی و خود اوردگانه اگر چه ازین تاریخ تازه نیست و تکرار است، اما از لحاظ سیاسی، در این لحظه از مسائرات اوج گنبدیده انقلابی مردم میهن ها، از تهاجمیت و توجیه سبب راست، شاه در روشی که برای تحصیل رژیم خود اشناختاب می کند، روشی را که با پیمایی توت و آن این رژیم فدمالی و فدم مکرگراتیک سرنوشتی به مبارزات نشان می دهد. آری انتخاب گلوله سرنوشتی، ما هیت خود اودا متضاران دیموکراسی سده مانند را که از سوسدی کرده استکار خود به مردم می دهد و نیز میزان حلقه و احضار مشرا به قانون که در ماه های اخیر آن همه عوام فریبان از آن دم زد، برای عقب مانده ترین قشرهای اجتماعی روشن ساخت. او نشان داد که نظروای مردم - حتی اگر اکثریت قاطع سرنوشتی به اتفاق آنها را - آنجا که با منافع واقعی و بنیادی رژیم او در تضاد است، خود سرانه زیر پای می گذارد و چگونه می میاید و بدون کمترین تاخیر و تردید علیه آن قسام می کند.

نقشه از پیش طرح شده روی کار آوردن یک دولت نظامی - که ما را با در چندماه گذشته فریب الی وقوع بیرون آن را هندا ردا دیم - با سبب سبب زسواپی به مرحله اجرا در آمد. روز شنبه گذشته - کمی از ظهر گذشته - دانشگاه تهران توسط آیدی دولتی که امنیت مردم دانشگاه را تضمین کرده بود به طور غیرمنتظره ای گلوله باران شد. سه خون شپید نه ها دانش آموزان و دانشجو در جریان این بزرگی وحشیانه، موج از رشم و صحنان برانگیخت و به دنبال آن تظاهرات پر خروش دانشجویان در حالی که با عوف توده های مردم گره خورده بود، بسه غیبا بان ها کشیده شد. از عصر روز شنبه تا شامگاه یکشنبه جماعت داران را در دسته های ساواکی در میان تظاهرات و نشانیات اعتراضی و محکوم کننده مردم که در تظاهرات سوزان خود شاه و آریا سبب ان امپریالیست آریا و آماج قرار می داد، حمله به مؤسسات و تشریف زدن نقاط توت و حیل سیاسی باره ای از پرتگان، ملاحظه ها و توت می های مردم را آغاز کردند و سیر و راهای پلیس و حکومت نظامی به صورت شمشا تارو گامی متوق، به این آتش دان من زدند. ساواک در این طوطه شیه گارانه روی چندتا مل حساب می کرد:

۱- عزم و نفرت عمومی علیه رژیم و بنگاه ها و تأسیسات وابسته به آن و مظهر سراسر استه داری استه زگر و وابستگی آن امپریالیستی و استه داری از این انترجاستیگانی آمیز برای گمشد فرا بکار رفتن آتش سوزی عمدی در سطح شهر؛
۲- سابقه حمله به بعضی سبب ها و بانک ها توسط گروه های عاصی حرکت گندگان، به مناسبت پوششی برای کلیه ویرانگری های عمدی و آثار رشم

۳- برای آخرین بار برده ها و نهیسه دستاویزی جهت در پیم گنبدیدن وعده ها از ادعا های می ماهه ای که طی ماه های اخیر همزمان با توتی شدن مردم میهن - در زمینه بازگشت حکومت قانون و آزادی های فردی و اجتماعی به خود مردم می دادند و نیز برای آن که محملی برای خاموش کردن دیوار روزنیا به ها و سابل رفاقتی حتمی که تا آنده ای - فقط تا اندازه ای در مقابل سبب گنبدیده - با طور سوزنا گنبدیده بودند، در دست باشد، اختصا به یک بهانه و ظاهری عوام بسند بود تا عموما گنبدیدن دولت نظمی و جنگ و دندان نشان دادن های آن - حتی به صورت ظاهر - به اطلاع قائل دفاع باشد. این عمل تراسی و بهانه جویی با توطئه یکشنبه شاه امیر، جاسه عمل پوشید.

اما کودتا در کودتای شاه هم کاری از پیش نخواهد برد. سارنیز و گشتار نمی توان نزدیک به صد و پنجاه میلیار تومان گسری بودجه را که در طول تمامی تاریخ ایران می ساخته است - بپوشاند نمی توان بحران عمیق و همه جانبه سیاسی و اجتماعی و اجتماعی و آموزشی کشور را که ازین تظاهرات بدون جامعه و رژیم برخاسته و بر اثر شواخت آن کشور در حال اشتغال و اختعار است، علاج کرد، نمی توان کارگران و روهنگتن و ورشنگدان را از استرگرمی اجتناب بر سر کارها بماند باز نگرداند، نمی توان مدارس و دانشگاه ها را آرام و آرام کرد، گمیر که دولت سرنیزه زینرال ارهاری متعاشتا به میبذل گمیر و سبب استه داری امپره ها و کمبک های رژیم را - که همه آنها جز بیادگان ناچیز عرمه شرفست شاه نبودند - جانشی سببدهای می های خود گنبدید و رودخانه های جدیدی از خون و رنج و مصیبت در وطنها به راه اندازد. تخریب و آتش سوزی وسیع در شهران در ناله در صحنه

با گسترش اعتصابات و تظاهرات سیاسی، بتوان جنبش انقلابی بیافرینیم

بخش سوم از برنامه حزب توده ایران

برای تحول بنیادی جامعه ما

جامعه ایران به یخ تحول بنیادی، به انقلابی که عرصه های مختلف زندگی را دربرگیرد و آنرا در جهت منافع خلق دگرگون کند، نیازمند است.

این انقلاب در مرحله کنونی با رهایی رده ها و طبقات اجتماعی و دموکراتیک است که معضلات مبارت است از بکوتای ما ختن دست انحصار را می میراند لیستی از منافع طبیعی و اقتصادی کشور را منافع استقلال کامل اقتصادی و سیاسی ایران برپیدن بقایای نظامات ماضی و سرمایه داری و اقتصاد سنکریستی سوسیالیستی؛ دموکراتیک کردن حیات سیاسی و فرهنگی کشور.

شرط ضرورت تحول انقلابی ایران در مرحله کنونی وارزون کردن رژیم فئودالیستی، شکستن دستگا دولتی ارتقا میوی با آن دادن به حاکمیت سرمایه داران بزرگ و زمینداران بزرگ و استقلال قدرت حاکم از دست این طبقات به دست طبقات و قشرهای ملی و دموکراتیک یعنی کارگران، دهقانان، خرد بورژوازی شهر (پیشه وران کسبه)، روشنفکران، معین پرست و مترقی و قشرهای ملی بورژوازی، یعنی استقرار جمهوری ملی و دموکراتیک است.

شرط اساسی تا منین پیروزی انقلاب ملی و دموکراتیک ایجاد دیچه، اتحاد کسبه نیروهای ملی و دموکراتیک است. اتحاد کارگران و دهقانان استخوان بندی چنین جبهه ای است. از آنجا که طبقه کارگر و حزب آن رکن اساسی جبهه واحد است وحدت طبقه کارگر مهمترین شرط و مهمترین وظیفه برای ایجاد یک اتحاد وسیع ملی و دموکراتیک و تشکیل جبهه واحد است. حزب توده ایران برای وحدت همه مبارزان طبقه کارگر و وحدت عمل با سایر نیروهای ملی و دموکراتیک با تمام فواید و منافع و منافع خود به سرفرشی ها و مشکلات معینی و ذهنی این امر، بر آنست که ما باید با همگیری، استکبار، برین و حرکت گام به گام به این هدف مهم که وثیق پیروزی خلق است دست یافت.

انقلاب ملی و دموکراتیک تنها به وسیله مبارزه توده های مردم تحققی پذیراست و از رهبرانی این با این فرد معین، این با آن گروه و حزب سیاسی مشخص ناشی نمی شود.

انقلاب اجتماعی که عمل بزرگ آفریننده خلقها برای ایجاد تحول بنیادی در نظام اجتماعی است شمره خواست و اراده فردی گروه یا تنها سازمان بهیچانگ نیست، بلکه برای تحقق آن وجود عاملی خاص و معینی و عامل ذهنی ضرور است. در دوران ما از سوی ما به سرفرشی است لئینی همزیستی صامت آسیر، از فزایش اقتدار همه جانشه جامعه کشور، های سوسیالیستی و در پینا پیش آنها اتحاد شوروی، ضعف روز افزون امپریالیسم، امکان صورتحال انقلاب پیش از بین محدود می گردد، و از سوی دیگر با سرمایه شدن سرمایه داری، افشا، جناح سوسیالیستی امپریالیسم و فاشیسم، با لافش جا زده سوسیالیست اندیشه تحول بنیادی در نظام اجتماعی سرمایه داری پیش از پیش در پیش در توده های وسیع مردم نفوذ می یابد و بدینسان شرایط معینی به متقاضی جبهه ملی برای عمل انقلابی خلق ها علیه رژیم های فئودالیستی و بورژوازی روز مسا عدتی می گردد. در این شرایط نقش عامل ذهنی یعنی شکل، سیاست صحیح و مصلحت درست و با همگیری طبقه کارگر که بتواند حرات انقلابی را با واقع بینی و بصارت سیاسی در آمیزد اهمیت فوق العاده ای کسب می کند.

انقلاب اجتماعی به اقتضای اوضاع و احوال می تواند از راه های و مسلمان و غیر مسلمان انجام گیرد و به صورت اشکال گوناگون در آید. چگونگی شکل عمل انقلابی برای تشریح فکری بردن زائیده اراده و تا منیل بهیچانگ جنبش نیست، بلکه به شرایط مشخص اجتماعی و سیاسی و از آن جمله به روش طبقات حاکم در برابر جنبش انقلابی مردم بستگی دارد. لذا نمی توان این شکل را تنها بر پایه شرایط تا منیل ذهنی یکبار برای همیشه و برای تمام دوران

مشخص انقلابی از پیش منب ساخت. حزب توده ایران از ویژگی از اشکال مبارزه انقلابی و پیگردان نیست و بر آنست که هر شکلی از عمل انقلابی که بتواند در شرایط مشخص مورد پشتیبانی توده ها قرار گیرد، بر فدا انقلاب فریبست جدی وارد سازد و راه پیروزی خلق را باز کند، ما باید با کار و رویش بر آنست که مبارزات وسیع توده های ام از سیاسی، اقتصادی، ادب و ادب و ادب برای افشا نیروهای فدا انقلابی و به منظور اتحاد نیروها و وسیع مردم وظیفه دانشی بهیچانگ انقلابی است.

سرفرشی تا منین انقلاب ملی و دموکراتیک و دست نگا ملنا ریفی و درجه همگیری آن با امر سرگردگی (همونی) انقلاب ارتباط نام دارد. تنها سرگردگی طبقه کارگر است که همگیری انقلاب و تمهین خلقت خلقی و شرایط انقلاب آن را به سوی سوسیالیسم تا منین خواهد کرد. لذا حزب ما وظیفه خود می داند که با تمام فواید و منافع سرگردگی طبقه کارگر در انقلاب ملی و دموکراتیک ایران مبارزه کند. تا منین سرگردگی طبقه کارگر تنها به اراده این طبقه و خواست حزب وی مربوط نیست. علاوه بر این رهیبری حزب طبقه کارگر، تجربه خود توده های سرگرد است تا منین سرگردگی تحققی یابد. لذا در عین حال که حزب ما برای تا منین سرگردگی طبقه کارگر در انقلاب ملی و دموکراتیک مبارزه می کند، آن را شرط وحدت عمل و اتحاد خود با دیگر نیروهای ملی و دموکراتیک قرار نمی دهد. تا منین سرگردگی طبقه کارگر به معنای نفی فعالیت احزاب و طبقات دموکراتیک دیگر نیست.

حزب توده ایران راه دشمنان را به داری را در دوران کنونی تا ریح برای ترقی واقعی و سالم جامعه ایران راه زبانی می داند، زیرا این راه رشد استقامت سرمایه داری را با همگیری انوار کشته استقامت می سازد.

بهر آنکه همی سرمایه داری در دوران ما بهیچانگ و فرشی می شود این نظام با دشواری های روز افزون است و با گوناگون اجتماعی و اقتصادی دست به گریبان است و با مشکلات و مسائل فزاینده روبروست و به هیچ وجه قادر نیست این مسائل را حل کند. این راه که به جامعه ما تحمیل شده هم اکنون مناسب و واقعی نیست بلکه تاریخ سرمایه داری آنرا نشان داده است به همراه آورده است.

سرمایه داری قادر نیست خود را با این مانده گی و وابستگی کشور را چاره کند و موی تا منین پیروزی حقیقی توده های وسیع مردم را فراهم سازد. در دوران این نظام تنها کار و سرمایه دم به دم شدید میشود و تفا ده ای آشتی تا منین اجتماعی با باقی باقی تضاد های دردناک گذشته پیوند می یابد. به علاوه ویژه در دوران ما، بیومدن راه دشمنان به داری در اقتصاد، به ناچار موجب شدت تضادهاست فدا دموکراتیک فر سیاست است. چنین دورانی می نمی شود مورد قبول نیروهای ملی و دموکراتیک ایران قرار گیرد. حزب توده ایران این تضادهاست که بر انداختن استبداد امپریالیسم، سرفرشی، سوسا و موازین اجتماعی مستلزم افشا از آنجا برای رخدایست که بتواند ترقی سریع اقتصاد کشور را تا منین نماید با استفاده از کلیه امکانات سرمایه داری و سرمایه آن را نسبت به کشورهای پیشرفته جهان از میان بردارد.

بنابراین راه رشدی که حزب ما برای جامعه ایران صحیح می داند، همگیری سوسیالیستی است که هنوز به معنای استقرار سوسیالیسم نیست ولی محمل های لازم را برای گذار به سوی جامعه سوسیالیستی آماده می کند.

در عین حال حزب توده ایران از هر دولتی که از یک تحول مترقی فدا میرا لیستی و فدا رتجی می ناشی شده باشد به توبه خود پشیمانی خواهد کرد و در هیچ سوئی آن به سوی همگیری سوسیالیستی نخواهد گزید.

کارگران ایران، در پیشاپیش جنبش خلق، مبارزات صنفی و سیاسی خود را گسترش دهید!

کارگران آگاه، در کارخانه ها هسته های مخفی حزبی ایجاد کنید و با حزب توده ایران تماس بگیرید!

یک حرفه مقدس و ملی است، با میلیون ها دست نگه داریم و به کار بریم. سازمانها و جمعیت های مبارز سیاسی و صنفی، کارگران مبارز، زمینگان، دانشجو، استادان، آموزگاران، دانشوران، کارمندان به سته آمده از ما دوستی های استبداد با زاریان و کسبه شرافتمند، روشنفکران معین پرست، روزنامه نگاران و نویسندگان معتمد کسه بخشی از رسالت آزادی به عهده شمامت، در شبر دست اختیاری برای درهم شکستن حکومت فئودالیستی و امپریالیستی مبارزه کنید. مبارزه اجتماعی را به صورت برینانه رژی این لحظه از سباز آزادی و اختناق، دولت فئودالی ما مردم به باغسته و دروغ و رنج غوطه خورده، شلیغ کنید. اعتیاد را از ما منبید، به آنها یاری رسانید و ما مانده گی معنوی و به اعتیاد کنندگان ما با همگان بگذارتا درجه یک گسترده اعظم ترین اعتیاد سیاسی و صنفی، یکبارگی ملی و عزم مبارزه جوانانه خلق های دلیر ما آید به شود.

۲- در کنار همه شیوه های مؤثری که برای رفع کردن نیروی دولت کودتا، سر درگم کردن و گشتن برپیمان نمودن آن و نیز با لایردن روحیه رژی مبارزان توده های وسیع مردم به کار می آید و باید وسیع مورد استفاده قرار گیرد، نظام صراحت صنفی گسترده جای فاس دارد. با توجه به این که شرایط حکومت نظامی امکانی نظامات و شرایط و راه بهیچانگ های بزرگ اجتماعی، سیاسی و فاشتر و مبارزاتی را سلیم می کند و کودتا چنان شد، همان طور که در چند روز گذشته نشان داده اند، از به یون کشیدن نظامات غیر سیاسی مردم کمترین آگاهی ندارند، این نظامات را باید صورت صنفی و با هر خورده ای از قدرت حرکت تا باید صورت گیرد. به این ترتیب که نقاط مناسب و تا حد ممکن بر هم می تازد. تقیلا شناسایی شود، مواضع احتمالی که به صورت طبیعی می تواند بر این تومسلیجی و بلین و ارتش ایجاد گردد، مورد توجه واقع شود و نگاه به سرعت در این مختل از پیش ضمیم شده.

نظامات با هر شیوه و به هر صورت متفرق گردد تا در نقطه مناسب دیگری دوباره گزید آید. مناطق کارگری و کارگرمین که فی نفسه هم جابجی نیرومندتری برای مبارزان دارد، جهت این نوع نظامات ماسدتر و شمرتر است.

در این لحظات حساس مبارزه بین نیروها و ملی و فئودالی، استبداد فئودالیست، انقلاب و فساد انقلاب، وحدت و هماهنگی همه نیروهای ملی و دموکراتیک حراتا همیتی تمهین کننده است. هر گونه اعتیاد رطلی در پیشین که می گویند ریفم تشوع تما یلات و ارمانها و خواست های قشرها و گرایش های خاص خود را از بالا به جنبش تحمیل کند، هر گونه جدل و ستیز ایدئولوژیک و سیاسی و مذهبی در لحظه کنونی و در گمرواد انبرندنا بی با فدا ترین دشمن مشترک، یک تضاد ملی است، هر گونه کمپنا دادن به امر همگاری و وحدت همه نیروهای فدا استنادی و فدا میرا لیستی، در نهایت به منزله تضعیف جنبش و آب ریختن در آسباب دشمن خبله گر و جزا راست. اگر این پیام سرگرمی را که از معجزه تجربه ها و آزمون های بی شمار گذشته بپذیریم که: " پیروزی مندرتین بهیچانگ آنانست که آگاهی طبقاتی و اراده و اشتیاق توده های میلیونی را بهیچانگ می کنند." آنگاه این اشتیاق و اراده میلیونی را (که تشبیهت کننده است با تازوی و رهبری یک گروه یا طبقه خاص بر جنبش است) با تلاق و وحدت برای افاق آمدن به تشبیت ویرانندگی درون جنبش و یکبارگی کردن آن، پاسخ خواهیم گفت.

و سرانجام این که با تحققی، با تعلق نسبی وحدت دورنی جنبش، با گسترش هر چه وسیع تر اعتیادات صنفی و به ویژه سیاسی در تقسیمات مملکتی، با اجرای فواید آسیر برینا نظامات سیاسی صنفی گسترده، راه یکبارگی انقلابی توده های مردم در کیفیت و وسایل ملی آنرا با زو اهدند...

تجربش ۲۴ اسفند حیدرخان

سرنوینی استبداد سلطنتی، استقرار جمهوری و تشکیل دولت ائتلاف ملی خواست هیوم جنبش انقلابی مردم ایران است